



۲۰۱۶/۰۳/۰۸



عارف عباسی

## روز جهانی زن!

تاریخ بشریت حاکی واقعیت تلخ مرد سالاری و عدم پذیرش حق مساوی زن با مرد بوده و زن اکثرأ در سایه حاکمیت



و سلطه مرد زیسته است. ادیان، عنعنات و رسوم زنجیر های اسارت را برگردن زن آویخته و محدودیت های بیشماری در زندگی اش آفریده حتی غرائز حیاتی و طبیعی زن به یغما برده شده. زن در زندگی حتی در احوال شخصی حق انتخاب نداشته و وی را در هر امری تابع و پیرو خواست و میل مرد گردانیده.

استعداد ها و نبوغ زنان ندرتاً در شرائط محدود تبارز نموده و اعتبار آن به مرد اعطاء شده. در حرمسرا های نامورترین مردان اهل سیاست، تدبیر و نظامی در پس پرده های ضخیم استبداد قبول شده اجتماعی نقش برارنده زن نهان مانده است.

ازدواج کمتر مفهوم واقعی شریک زندگی را داشته بلکه زن ملکیت پنداشته شده چون خانه، زمین، ثروت و حتی مواشی. همنگونه که در نزاع ملکیت خون ریخته در تصاحب زن هم ستیز و خون ریختن بوده و یا زن صرف به حیث لعبتی وسیله ارضا و اطفاء تمنای شهوانی بوده است.

تحقق آرمان شناسایی زن به حیث بشر و برخوردار شدن از حقوق مجاز و قانونی مساوی به مرد حتی در متمدن ترین جوامع راه دراز و دشواری پیموده و به آسانی دستیاب نگردیده است. انکشاف سطح دانش اجتماعی با گسترش علم و معرفت زمینه مبارزه حق طلبی زن را فراهم آورده است. زن ها در سبیل این مبارزه تنها نبوده مردان روشن نگر، آگاه و دانا برای تغییر شرائط و بهبود زندگی زن مبارزه نموده اند.

انکشاف اقتصادی و راه یافتن زن در سیر انکشاف و سهم گیری در خدمات و فعالیت های گوناگون برای زن نوع استقلال و خود ارادیت بخشیده است. در واقعیت امر ذهنیت، طرز تفکر، سطح دانش مردان است که چگونگی و شرائط زیست زن را شکل می دهد.

علم پیشرفته طبابت و تکنولوجی های تحقیقات علمی در ساختار جسمانی و روانی زن به جز تفاوت های شکلی جسمانی از لحاظ جسمانی و روانی کمبودی در خلقت زن نسبت به مرد نیافته، و در بسی حالات و ساحات زنان دارای نبوغ و استعداد فروتر اند.

ارتقای سطح دانش جامعه و مخصوصاً تعلیم و تربیه مردان زمینه تبارز شخصیت، اهلیت، کفایت زن را فراهم گردانیده، عملاً مشاهده می گردد که زن در هیچ ساحه زندگی اگر زمینه برایش مساعد گردیده از مرد عقب نمانده و این امر بیشتر مربوط وضع و تطبیق قوانین است که تا کدام حد این زمینه سازی میسر می گردد.

تفوقی که زن نسبت به مرد دارد اعطای موهبت مادر بودن است. در این وجیبه هزاران حکمت عیان و پنهان وجود دارد. عشقی که تعریف و تشریح آن ساده نیست و عشق واقعی خوانده می شود در مهر مادر نسبت به اولادش متجلی گردیده. تکامل نه ماه جنین در بطن مادر، مکیدن پستان مادر و لمیدن در آغوش پر عطوفت آرام بخش مادر، نازها و نوازش هایش تحمل رنج های بیدار خوابی ها و در بزرگی و جوانی پند ها و اندرز هایش که از یک سو پرورشگاه عشق، عاطفه و محبت و ایجاد درک و احساس محبت به دیگران است، دامان مادر مدرسه اولین شخصیت سازی اولاد است چه مرد باشد چه زن. این همه برگزیدگی های زن است که به فرزندان خود راست گویی، امانت داری و پرهیزگاری، مناعت و غرور می آموزد.

مردی که این مراحل را سپری نموده نه ماه در آسایشگاه رحم مادر بوده و از خون وجودش تغذیه نموده و شب ها به درد و ناراحتی هایش رسیدگی شده و به آغوش پر از لطف و محبتش پناه برده. مادر برای خواباندنش لولو گفته و در کودکی و جوانی اش، خود گرسنه مانده و نان خود را به او خورانده در بدترین شرایط برای قوت و لایموتش مزدوری کرده، زجر کشیده دشنام شنیده حتی در کنار جاده در سردی کشنده زمستان و آفتاب سوزان تابستان دست تگدی دراز نموده، خانه را در پناه دعای او ترک می کند و در جمیع آزمون های زندگی دعای مادر با او است.

آیا سزاوار است که مرد این قدر ناسپاس و بی احساس باشد که این همه خصائل ملکوتی را در وجود زن خود و مادر اولاد های خود نبیند و او را محترم و مکرم نشمارد؟ زن مکمل زندگی مرد و یار و مددگار اوست. مرد اگر قلبه کرده زن خیشاوه نموده، مواشی را علوفه داده و گاو دوشیده و اگر او برای کار بیرون رفته زن شسته، روفته، دوخته و پخته و یا در امرار معیشت او هم کار کرده و اجرت خود به دست شوهر داده در خوشی هایش خوش و در ناگواری ها غم گسارش بوده است.

زنان با تبارز اهلیت، لیاقت، خرد، و کفایت خود در عالی ترین مدارج سیاسی راه یافته و در مسند قضاء قرار دارند. استعداد زن تنها در پدیده های انگشتان ظریفش، صدای روح بخش و دلپذیرش و تمثیل هنری اش خلاصه نشده موثر های هژده تائیره را می راند، تراکتور و بلدوزر و وسائل ثقیل ماشینی را بکار می اندازد، در جبهات جنگ در قوای هوایی و زمینی خدمت می کند. و در مسابقات سپورتی از مردان عقب نمانده اند.

پهلوی های زشت آزادی زن استثمار زیبایی های زن برای منافع اقتصادی و تجارت نامشروع بالای کرامت، عزت و شرافت زن است که تا حدی بیچارگی و ناداری است و تا حدی هم خواست و میل خود شخص دخیل است. اما قانون باید حدود تعیین نموده جلو فساد پیشگی و هرزگی را بگیرد.

با تأسف و تأثر عمیق در وطن ما علی الرغم توسعه معارف و مساعد ساختن زمینه برای تحصیل و شغل و پیشه زنان و کرسی دادن به زنان در پارلمان زندگی زن بیحد رقت بار و اسفناک است و نصف بیشتر نفوس کشور که طبقه اناث را تشکیل می دهد در بدترین و غیر انسانی ترین شرایط زندگی نموده بنام "کد"، "کوچ"، "سیاه سر" و "ننه اولادها" و "عیال" مشقات و زجر های بی شمار را متحمل می شوند.

زن افغان در بین قوه جاذبه دو قطب مقناطیس قرار دارد، از یک سو با دسترسی به وسائل جمعی و اتصال به جهان شرائط هم سیالان خود را در دنیای دیگر می بینند و از جانبی کشش تند روانه اجتماع را برای عقب راندن زن و سلب طبیعی ترین حقوقش تجربه می نماید.

قانون سازان افغانستان تا حال زن را به حیث مخلوق خداوند دارای حقوق مجاز و مشروع نشناخته حتی برای خصوصی ترین بخش زندگی اش قوانین جابرانه و قهر آمیز می آفرینند.

اکثریت مجریان قانون چون پولیس، څارنوال و قاضی در زندگی شخصی با زنان خود از خشونت کار می گیرند چگونه ناله ها، فریاد ها و ضجه های زن را برای دادخواهی از ظلم مرد مورد توجه قرار دهند و نزد ایشان همیشه زن مقصر است.

عمل ننگین، غیر انسانی و وحشیانه بعضی باشندگان کابل در قتل دختر بیگناه به نام "فرخنده" و عکس العمل علمای دینی و مقامات دولتی در قبال این فاجعه و جنایت، گوش و بینی بریدن ها، خود سوزی های زنان محکوم به ظلم، و سنگسار ها به فتوای ملا های جاهل و ازدواج اجباری دختران صغیر و تجاوزات جنسی هر یک ممثل بی عدالتی علنی علیه زن افغان بوده. بهبود حال جرأت شهادت و مسؤولیت تطبیق قانون تعقیب جدی عدلی و مؤاخذة و باز پری می خواهد. تا اگر با ایفای رسالت منورین و آگاهان با استفاده از همه امکانات مردان تنویر شده و زنان برای احقاق حقوق مدنی خود شجاعانه و با شهادت مبارزه نمایند.

من از صمیم قلب این روز خجسته را به مقام والا مرتبت تمام زنان و بلاخص خواهران و مادران افغان تبریک و تهنیت گفته رهایی شان را از این حال رقت بار استدعا دارم.

پایان

